

ارزیابی و نقد رویکرد برنامه چهارم توسعه در خصوص تأمین اجتماعی و پرداخت یارانه‌ها آقای محمدرضا حیدری و آقای کاظم قجاوند

مقدمه :

دستیابی به رفاه اجتماعی مطلوب و رشد اقتصادی از جمله اهداف دولتمردان هر کشوری به شمار می‌رود. کشور ما به دلایل ویژگی‌های خاص جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همواره در راه دستیابی به شاخص‌های مربوط به رفاه اجتماعی فراز و نشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از بنیادی‌ترین و محوری‌ترین شعارها ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و ارتقاء سطح رفاه اجتماعی برای آحاد مردم و قشرهای مختلف بوده است و همواره دولت در سال‌های گذشته کوشیده است تا با اتخاذ برنامه‌های اقتصادی مناسب در جهت دستیابی به این مهم قدم بردارد. برقراری یارانه‌ها در کشور ما گامی در جهت حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی و افزایش رفاه عمومی است. پرداخت یارانه‌ها صرف‌نظر از نوع نظام حاکم بر جوامع در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای مختلف توسعه یافته و در حال توسعه صورت می‌پذیرد.

با توجه به افزایش حضور دولت‌ها در اقتصاد و پرداخت یارانه‌ها به تدریج افزایش یافته است در کشور ما نیز که دولت به ناچار در طی سالهای گذشته با تدوین سه برنامه پنج ساله اقدام به پرداخت یارانه نموده است همچنین در برنامه چهارم توسعه نیز مقرر گردید که یارانه‌ها به شکل هدفمند و به اقشار نیازمند و محرومان واقعی تعلق بگیرد لذا شایسته است با مطالعه‌ای عمیق

نگاهی به جایگاه یارانه‌ها در برنامه‌های گذشته دولت نموده و نیز نقش و جایگاه یارانه‌ها را با توجه به اهمیتی که در گسترش عدالت اجتماعی در جامعه می‌تواند ایفا نماید در برنامه چهارم توسعه نقد گردد. در این مقاله ضمن تعریف یارانه و بیان تاریخچه پرداخت یارانه‌ها در ایران و برشمردن اهداف آنها نگاهی نقادانه به سهم و نحوه پرداخت یارانه‌ها در برنامه‌های توسعه گذشته خواهیم داشت همچنین سعی می‌شود با توجه به چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران رویکرد برنامه پنج ساله توسعه چهارم در خصوص بحث یارانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در انتهای مقاله پیشنهادهایی ارائه گردد.

تعریف یارانه و گستره شمول آن در ایران

در خصوص تعاریف مربوط به یارانه برداشت‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد. این اختلاف نظرها از آنجا ناشی می‌شود که یارانه که خود یکی از ابزارهای حمایتی به شمار می‌رود که برای مبارزه با علوم تعادل‌های اقتصادی اتخاذ می‌گردد، خود ممکن است مقدمات ایجاد اختلال در تعادل را به وجود آورد. اما تعریفی که از یارانه می‌گردد عبارت است از :

«یارانه از انواع پرداخت‌های انتقالی جهت جبران یا پرداخت قسمتی از قیمت کالا یا خدمات است که به منظور افزایش قدرت خرید مصرف کننده و یا افزایش توان تولیدکننده و کنترل آثار منفی آن به مصرف کننده توسط دولت یا سازمان مباشر انجام می‌پذیرد.»

در کشور ما سیاست‌های حمایتی دولت شامل یارانه‌های مستقیم، غیرمستقیم، ارزشی و پنهان (از جمله هزینه فرصت از دست رفته) در بخش‌های مصرف، تولید (صنعتی، کشاورزی و خدمات) و در سال‌های اخیر صادرات بوده است. بسته حمایتی کالاهای اساسی پس از آخرین

تغییرات شامل: نان، برنج، روغن، قندوشکر، شیر و پنیر می‌باشد اگر چه یارانه دارو و شیر خشک نیز مستمراً پرداخت شده است.

در تولیدات کشاورزی، کود شیمیایی، سموم دفع آفات نباتی و دامی و همچنین برخی ماشین آلات کشاورزی از جمله تراکتور و کمباین مشمول یارانه بوده است. در تولیدات غیر کشاورزی نیز یارانه کاغذ، پودر لباسشویی و پاره‌ای از مواد اولیه و قطعات یدکی صنعتی مشمول حمایت دولت بوده است.

در بخش خدمات یارانه حمل کالاهای کالابریگی، توزیع کالابریگ، جبران خسارت محصولات کشاورزی و اخیراً صادرات خدمات فنی مشمول یارانه قرار گرفته است.

تاریخچه پرداخت یارانه در ایران

افزایش ناگهانی درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام^۱ در سال ۱۳۵۳ به بعد، بدون اینکه موجبات افزایش متناسب توان تولیدی کالاهای غیرتجاری گردد باعث شد که مصرف خانوارها و دولت افزایش یافته و سبب رشد بسیار بالای کالاهای مصرفی گشته و به دنبال آن انگیزه‌های تولید داخلی کاهش یافت. در این وضعیت توزیع درآمد در کشور به سود بخش تجاری اقتصاد رقم خورده و اختلاف شدید در آمدی را ایجاد نمود. دولت جهت کاهش فشار بر اقشار وسیعی از جامعه که از توزیع درآمد زیان دیده بودند ناچار شد که برخی از کالاهای اساسی نظیر: نان، قند و شکر، روغن و شیر را از طریق پرداخت یارانه در قیمت‌های پائین نگه‌دارد این روند با وقوع انقلاب اسلامی و در پی آن شروع جنگ تحمیلی تشدید گردید همچنین افزایش نرخ رشد جمعیت بر تسریع و تشدید ادامه پرداخت یارانه‌ها بسیار مؤثر بوده و روند صعودی به خود گرفته

1- Petrodollars.

است. در ابتدای برنامه اول توسعه یعنی آغاز بازسازی‌های کشور پس از جنگ، سهم بخش تولیدی از یارانه‌ها بالا بوده و سپس کاهش یافته است و عمده حمایت دولت در این بخش مربوط به بخش کشاورزی است. این سهم از $32/4$ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است.

متوسط رشد یارانه‌ها طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۸ در بخش مصرف $96/4$ درصد، در بخش تولید $71/9$ درصد و در بخش خدمات $112/3$ درصد بوده است. که به طور میانگین از رشدی معادل $8-91$ درصد به قیمت جاری و $6-61$ درصد به قیمت ثابت ۱۳۶۱ برخوردار بوده است. در این دوره متوسط نرخ رشد یارانه سرانه به قیمت جاری $87/5$ درصد و به قیمت ثابت فوق $58/3$ درصد بوده است در برنامه دوم سهم $86/9$ درصدی کالای مصرفی از یارانه‌های سال ۱۳۷۴ به $87/3$ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش یافت و سالانه به طور متوسط حجم ریالی یارانه کالاهای مصرفی $14/5$ درصد افزایش یافت. هدف برنامه دوم توسعه که هدفمند و علنی نمودن یارانه بود تحقق نیافت و نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و پرداخت یارانه‌ها بدون تغییر همانند برنامه اول توسعه تداوم داشت. در این برنامه متوسط نرخ رشد کل یارانه‌ها به قیمت جاری $13/9$ درصد و به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ منهای ۹ درصد بود. همچنین متوسط نرخ رشد یارانه سرانه به قیمت جاری $15/4$ درصد و به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، ۳ درصد افزایش یافته است. طی این دوره متوسط نرخ رشد یارانه سرانه به قیمت‌های جاری $13/6$ درصد و به قیمت ثابت فوق $1/5$ درصد بوده است. (جدول شماره ۱)

جدول ضمیمه تحول در سه شاخص نابرابری ضریب جینی، نسبت دهک بالا به دهک پائین،

نسبت پنجم بالا به پنجم پائین در طول دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۰ را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: یارانه‌های ریالی پرداختی طی دوره (۸۰-۱۳۶۳) به قیمت جاری میلیارد ریال

یارانه سرانه (ریال)	کل یارانه‌ها	یارانه			موضوع
		خدماتی	تولیدی	مصرفی	
۲۲۷۰/۶	۱۱۱/۴	۵/۵	۲۶/۸	۷۹/۱	میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۳)
		۵/۰	۲۴/۰	۷۱/۰	سهام از کل
۳۰۵۵/۳	۱۶۲/۵	۱۳/۶	۵۲/۶	۹۶/۳	۱۳۶۸
		۸/۴	۳۲/۴	۵۹/۳	سهام از کل
۷۴۱۱/۶	۴۰۳/۹	۳۱/۱	۲۵۸/۰	۱۴۴/۸	۱۳۶۹
		۷/۷	۶۳/۹	۲۸/۴	سهام از کل
۵۹۰۴/۵	۴۹۷/۲	۷/۸	۳۶۱/۲	۱۲۸/۲	۱۳۷۰
		۱/۶	۷۲/۶	۲۵/۸	سهام از کل
۱۸۷۷۴/۷	۱۰۶۳/۷	۱۰۰/۳	۱۶۷/۲	۷۹۶/۲	۱۳۷۱
		۹/۴	۱۵/۷	۷۴/۹	سهام از کل
۴۰۶۶۴/۱	۲۳۳۷/۷	۱۹۰/۰	۳۷۴/۰	۱۷۷۳/۷	۱۳۷۲
		۸/۱	۱۶/۰	۷۵/۹	سهام از کل
۶۳۱۹۲/۸	۳۶۸۶/۱	۱۲/۰	۵۳۸/۱	۳۱۳۶/۰	۱۳۷۳
		۰/۳	۱۴/۶	۸۵/۱	سهام از کل
۸۲۴۱۸/۴	۴۸۷۸/۱	۱۷/۲	۶۲۲/۴	۴۲۳۸/۵	۱۳۷۴
		۰/۴	۱۲/۸	۸۶/۹	سهام از کل
۹۱۳۵۰/۹	۵۴۸۶/۱	۲۲/۱	۵۵۵/۰	۴۹۰۹/۰	۱۳۷۵
		۰/۴	۱۰/۱	۸۹/۵	سهام از کل
۸۳۳۹۷/۷	۵۰۸۶/۱	۱۷/۵	۵۸۸/۵	۴۴۸۰/۱	۱۳۷۶
		۰/۳	۱۱/۶	۸۸/۱	سهام از کل
۹۳۷۵۰/۹	۵۸۰۶/۱	۴۳/۶	۴۹۶/۰	۵۲۶۶/۵	۱۳۷۷
		۰/۹	۸/۵	۹۰/۷	سهام از کل
۱۱۲۴۹۱/۱	۷۰۷۱/۲	۱۷۹/۶	۷۱۶/۶	۶۱۷۲/۰	۱۳۷۸
		۲/۵	۱۰/۲	۸۷/۳	سهام از کل
۱۲۷۵۸۰/۲	۸۱۴۰/۰	۱۰۴/۰	۹۹۴/۰	۷۰۴۲/۰	۱۳۷۹
		۱/۳	۱۲/۲	۸۶/۵	سهام از کل
۱۲۵۲۴۵/۲	۹۴۲۷/۴	۴۰/۹	۶۴۸/۱	۸۷۳۸/۴	۱۳۸۰
		۰/۴	۶/۹	۹۲/۷	سهام از کل
۸۷/۵	۹۱/۸	۱۱۲/۳	۷۱/۹	۹۶/۴	متوسط نرخ رشد برنامه اول توسعه
۱۲/۲	۱۳/۹	۷۱/۸	۶	۱۴/۵	متوسط نرخ رشد برنامه دوم توسعه

۱۳/۶	۱۵/۴	-۵۱	۱/۷	۱۹/۱	متوسط نرخ رشد دو سال اول برنامه سوم توسعه
------	------	-----	-----	------	---

مأخذ: دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

مبانی نظری

هاربرگر (۱۹۷۴) با ارائه یک مدل تعادل عمومی با دو عامل (نیروی کار و سرمایه) و محصول، اثر پرداخت یارانه را به هر یک از دو عامل یا هر دو عامل را با همدیگر و نیز اثر پرداخت یارانه به هر یک از دو محصول به طور توأم یا هر دو محصول را با یکدیگر، بر نحوه تخصیص منابع و توزیع درآمدها مدل‌سازی نمود.

پرداخت یارانه به هر عامل تولید تقاضای آن عامل را افزایش می‌دهد، قیمت نسبی عوامل را مخدوش ساخته و منجر به تحمیل بار اضافی به اقتصاد می‌گردد. همچنین این مسئله منجر به افزایش تولید محصول ذیربط گردیده و موجب کاهش قیمت آن می‌گردد، لذا قیمت نسبی دو محصول نیز متأثر از این مسئله می‌گردد. تحلیل مشابهی در خصوص پرداخت یارانه به محصول نیز وجود دارد. پس از او الگوی تعادل عمومی بسط فراوانی یافت.

الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)^۱ در ادبیات اقتصاد بخش عمومی به عنوان مبنایی برای تحلیل آثار متقابل پرداخت یارانه (مالیات منفی) ارائه می‌دهند. همچنین از طریق الگوی تعادل عمومی می‌توان با استفاده از روش تحلیل نسبی و ضمن نادیده انگاشتن اثرات ثانویه، الگوی چند بخشی تعادل عمومی کاربردی را مطرح نمود.^۲

1- Computable General Equilibrium.

۲- برای نمونه نگاه کنید به :

Hueth and Just (1991), Jones and whalley (1998), Ballard, shoven and whalley (1985)
Athinson and Stiglitz (1980), Boven berg (1985).

در ایران الگوی تعادل عمومی برای تحلیل اثر وضع مالیات‌ها توسط ذوالنور (۱۳۸۲) استفاده شده است. این الگو در جهان کاربرد وسیعی برای تحلیل آثار متقابل متغیرهای اقتصادی دارد که از مجال این مقاله بیرون است.

پرداخت یارانه به مصرف جاری، تخصیص بین دوره‌ای مصرف را مخدوش و کارایی پویا در تخصیص منابع را به هم می‌زند. بار اضافی پرداخت یارانه نیز همواره به عنوان هزینه اجتماعی سربار توسط اقتصاددانان مورد تأکید قرار گرفته است. وضع یارانه بر کالا به اتخاذ روش غیر کارا در جهت کمک به مردم منجر می‌شود. پرداخت اینگونه یارانه‌ها برای دولت مخارج بیشتری در بر دارد لذا اکثر اقتصاددانان پرداخت‌های نقدی مستقیم را بر یارانه غیرمستقیم کالایی ترجیح می‌دهند اگر چه امکان نشت و خروج یارانه نقدی به خارج از جامعه مورد نظر بیشتر است. (Rosen, ۱۹۸۹)

نیکلس وزکوسر (۱۹۸۲) با تمییز کالاهای با منفعت اجتماعی و بدون منفعت اجتماعی و نیز با توجه به کششهای درآمدی کالاها پیشنهاد می‌کنند که یارانه غیرمستقیم به کالاها و خدماتی همچون آموزش و بهداشت تعلق گیرد.

پرداخت هر نوع یارانه طبعاً متغیرهای مصرف، توزیع درآمد، قیمت نسبی عوامل تولید و محصولات، آثار و عوارض اجتماعی همچون قاچاق، اسراف، صف و غیره به همراه دارد که تحلیل آن در اقتصاد بخش عمومی و اقتصاد فقر و تبعیض و توزیع درآمد به تفصیل موجود است.

مروری بر ادبیات موضوع

از آنجا که مبحث یارانه‌ها از اهمیت خاصی در کشور ما برخوردار می‌باشد لذا صاحب‌نظرات و محققان متعددی در این زمینه کنکاش نموده‌اند. در این بخش سعی می‌شود به طور خلاصه به برخی از نتایج تحقیقات آنها به طور فهرست‌وار اشاره گردد.

منجذب (۱۳۶۸) تبعات حذف یارانه‌ها بر قیمت‌ها و توزیع درآمد را بررسی کرده است. از نظر حذف یارانه نان شاخص CPI را ۳٪ افزایش می‌دهد.

آلدرمن (۱۳۶۹) پرداخت یارانه به آرد در مصر را به نفع طبقات فقیر شهری دانسته و معتقد است حذف این رایانه موجب آشوب‌های اجتماعی خواهد شد.

پژویان (۱۳۷۳) با بررسی سیاست‌های حمایتی مختلف، پرداخت یارانه و سهمیه‌بندی را الزاماً موجب بهبود توزیع درآمد ندانسته است؛ اگر چه این کار موجب افزایش رفاه تمامی اقشار جامعه گشته است.

پهلوانی (۱۳۷۳) سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی را باعث حمایت معکوس (دریافت مالیات ضمنی) از کشاورز دانسته است.

پژویان (۱۳۷۳) و طیبیان و دیگران (۱۳۷۹) نظام حمایتی رایج در سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی و سایر متولیان را بررسی و پیشنهادهای جهت ارتقاء کارایی و اثر بخشی آنها ارائه داده‌اند.

صامتی (۱۳۷۳) یارانه پنهان ارزی گندم را بررسی کرده و حجم آن را در سال‌های مختلف و سناریوهای متعدد نرخ ارز چندین برابر یارانه ریالی برآورد کرده است.

حیدری (۱۳۷۵) با ارائه مدل اقتصاد سنجی، یارانه گندم را متأثر از قیمت تضمینی خرید ان توسط دولت، سطح زیرکشت و میزان واردات آن می‌داند وی نظام موجود پرداخت یارانه را ناکارآمد دانسته و پیشنهاد می‌دهد با شناسایی اقشار آسیب‌پذیر و یکپارچه‌سازی نهادهای حمایتی تخصیص یارانه به طور تدریجی هدفمند گردد.

سبوحی (۱۳۷۸) پرداخت یارانه پنهان به انرژی را موجب انحراف قیمت از هزینه نهایی، بر هم خوردن قیمت‌های نسبی کاهش کارایی تولید، کمبود منابع ارزی، حذف مزیت نسبی کشور در تولید انرژی و افزایش هزینه زندگی شهری به علت رشد مصرف انرژی، ترافیک، آلودگی و غیره می‌داند.

مجتهد، حسن‌زاده (۱۳۷۸) اثر کاهش یارانه در متغیرهای اقتصادی تخصیص منابع آزاد شده بر هزینه‌های عمرانی را بررسی کرده اند آنها با ارائه یک مدل، حذف دفعی یارانه را موجب اثر انقباضی بر تقاضای کل، سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی دانسته و با اشاره به تجربه کشورهای مصر، اردن و مراکش آن را باعث آشوب‌های اجتماعی می‌دانند و پیشنهاد می‌کنند علاوه بر برنامه‌های سرمایه‌گذاری مکمل و طراحی چتر حمایتی^۱ آغاز حذف تدریجی در زمان رونق و مبتنی بر وفاق سیاسی باشد.

طیبیان و دیگران (۱۳۷۹) یارانه بنزین را شدیداً ناعادلانه دانسته و لزوم اصلاح این روش را با توجه به نحوه باز توزیع درآمدهای حاصله یادآور می‌گردند.

1- Safety Net.

بخشوده (۱۳۸۰) با استفاده از مدل هلت، حذف دخالت دولت در بازار گندم را موجب کاهش مخارج دولت، صرفه‌جویی در واردات گندم، ایجاد هزینه‌های اجتماعی و کاهش رفاه مصرف‌کننده دانسته ولی آن را همراه صرفه‌های اقتصادی معرفی می‌کند.

محمودی (۱۳۸۱) نرخ حمایت اسمی از گندم‌کاران را منفی می‌داند. قیمت تضمینی در دوره ۱۹۹۰ الی ۱۹۹۷ کمتر از قیمت جهانی بوده است و ضایعات آن بالا می‌باشد وی با اشاره به تجربه موفق کشورهای سریلانکا، جامائیکا و هند پیشنهاد می‌کند یارانه به تدریج هدفمند شده و نقش دولت در این بازار اصلاح و نظام قیمت‌گذاری کارآمد به همراه نظام جامع بیمه محصولات کشاورزی تدوین گردد.

اسلامی (۱۳۸۲) با بررسی کشش‌های قیمتی و درآمدی کالاهای یارانه‌ای و نیز سهم آنها در بودجه خانوار پیشنهاد حذف یارانه کالاهایی که از اهمیت کمتری در سبد مصرف انرژی خانوار برخوردارند را ارائه می‌کند.

نجفی، فرج‌زاده، (۱۳۸۳) کاهش یارانه مواد غذایی را موجب بروز اثر تغذیه‌ای و اثر رفاهی می‌دانند آنها با توجه به سهم هزینه‌های هر یک از مواد غذایی یارانه‌ای در هر دهک درآمدی، آثار فوق را در سناریوهای مختلف بررسی و پیشنهاد می‌کنند تا با شناسایی دهک‌های درآمدی، کاهش تدریجی یارانه‌ها در دستور کار قرار گرفته و آغاز کار با روغن و قند و شکر باشد. ضمناً کاهش یارانه نان با احتیاط بیشتر صورت گیرد.

تحلیل وضع موجود

مجموع یارانه‌های ارزی و ریالی کاهای اساسی و دارو در سال ۱۳۷۹، ۳۵۳۷۵ میلیارد ریال می‌باشد که معادل ۲۶۴۷۷ میلیارد ریال آن رایانه ارزی است. از کل یارانه‌ها ۳۴٪ مربوط به گندم، ۲۲٪ سایر کالاهای اساسی، ۱۱٪ دارو، ۴۳٪ سایر یارانه از جمله نهادهای کشاورزی و صنعتی و نیز کاغذ می‌باشد.

یارانه انرژی در ایران در واقع هزینه فرصت منابع مصروف این بخش است و به صورت نوعی یارانه خالص مطرح می‌گردد. زیرا در تحلیل هزینه - درآمد آن ارزش ذاتی این موهبت الهی محاسبه نمی‌گردد. این نوع یارانه در سالهای گذشته روند تصاعدی داشته و در سال ۱۳۷۹ به ۹۵۲۵۲ میلیارد ریال بالغ کشته و این مبلغ مربوط به بنزین موتور، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع گاز طبیعی و برق می‌باشد. (جدول شماره ۲)

هر خانوار ایرانی در سال ۱۳۷۹ به طور میانگین ماهانه ۸۲۳ هزار ریال یارانه دریافت کرده است. براساس پیش‌بینی مجموع یارانه سال جاری ۲۷۷ هزار میلیارد ریال است که بیش از ۷۵٪ آن مربوط به انرژی است.

جدول شماره ۲: یارانه‌های ارزی و ریالی در سال ۷۹ میلیارد ریال

عنوان	حجم یارانه	نسبت به کل
انرژی	۹۵۲۵۲	۷۳٪
کالاهای اساسی	۳۱۴۷۵	۲۴٪
دارو	۳۹۰۰	۳٪
جمع کل	۱۳۰۶۲۷	۱۰۰٪

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

تداوم وضع موجود به جز سادگی اجرا و عادت عمومی و اطمینان از تأمین حداقل کالری مصرفی برای دهک‌های پائین درآمدی مزیت قابل ذکر دیگری ندارد. اما معایب مهم زیر را دارد:

۱- بی‌عدالتی شدید در نحوه برخورداری از یارانه‌ها

می‌دانیم درآمد دهک دهم در شهر ۱۵ و در روستا ۲۰ برابر دهک اول است (دهک دهم در شهر ۲۹/۳٪ و در روستا ۳۱/۰۲٪ از مجموع درآمد را در اختیار دارد و دهک اول به ترتیب ۰/۹۴٪ و ۱/۵۱٪).

سهام دهک دهم از کل یارانه‌های کالاهای اساسی، انرژی و دارو ۲۰/۵٪ و سهم دهک اول ۳/۸٪ است. به عبارت دیگر ثروتمندترین‌ها نسبت به فقیرترین‌ها بیش از ۵ برابر از یارانه برخوردارند. عادلانه‌ترین وضعیت مربوط به نان و ناعادلانه‌ترین مربوط به بنزین است.

۲- تشدید مصرف بی‌رویه و اهداف آن

اصولاً پرداخت یارانه به مصرف، الگوی مصرف را مخدوش ساخته و علایم قیمتی خطا به تولید کنندگان می‌دهد نمونه‌های اصلی مربوط به بنزین، دارو، روغن نباتی و قند و شکر است. ضایعات نان بیش از ۲۵٪ برآورد شده است.

اصولاً کشورها برای حفظ محیط‌زیست، صیانت از منابع طبیعی و اصلاح الگوی تغذیه عوارض و مالیات‌های تصاعدی وضع می‌کنند.

در اروپا به طور میانگین بیش از ۷۰ سنت مالیات بر مصرف هر لیتر بنزین وضع شده است و در ایران بالغ بر ۲۵۰۰ ریال یارانه پرداخت می‌گردد و پایتخت را به پارکینگ متحرک تبدیل ساخته است.

۳- تأثیر نامطلوب بر سرمایه‌گذاری و اشتغال

واردات مواد اولیه دارو و شیر خشک با ارز ۱۷۵۰ ریال توان رقابت کنندگان داخلی را تضعیف کرده است. وضعیت مشابهی در خصوص تولید گندم (در بسیاری از سال‌ها)، چغندر قند، روغن نباتی (تا قبل از سال ۱۳۷۳) و شکر و نیز تراکتور و کمباین وجود دارد.

بررسی وضعیت تولید شیر، پنیر، مرغ و تخم‌مرغ و روغن پس از وضع مقررات جدید گویای این وضعیت است. نیز آزادسازی قیمت یخچال، کولر، تلویزیون، لاستیک و سیمان شاهد دیگری بر مدعاست.

۴- افزایش واردات و تشدید نیاز ارزی

وابستگی شدید در تأمین روغن خام (۹۰٪)، شکر (۳۰٪)، برنج (۲۰٪)، گندم (تا قبل از سال جاری تا ۳۰٪) و نیز دارو و شیر خشک مثالهایی در خصوص تشدید وابستگی است.

۵- قاچاق کالاهای یارانه‌ای به خارج و ترویج فساد اداری و مالی

نمونه عمده و اسفبار بنزین است و پس از آن آرد می‌باشد.

در قبال گزینه موجود پیشنهادهایی از جمله :

۱- تخصیص هدفمند یارانه‌ها به اقشار کم درآمد

۲- پرداخت یارانه نقدی و آزادسازی قیمت‌ها

۳- پرداخت یارانه نقدی به بخشی از افراد براساس روش خود اظهار و تخصیص منابع آزاد شده به جبران آثار آن.

نیز طیفی از روش‌های ترکیبی، تدریجی و ... وجود دارد که وجهه همت این مقاله نیست. در این مقاله هدف کنگاش رویکرد و محوری برنامه‌ریزان در خصوص مقوله تأمین تکامل و توازن اجتماعی است.

رویکرد چشم‌انداز بیست ساله و برنامه پنج ساله توسعه

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی علاوه بر تأکید بر “عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی” از جمله ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز “تأکید بر عدالت و حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها” و نیز “برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دو راز فقر، فساد و تبعیض” برشمرده است و بعنوان ملاحظه بر “تنظیم و تعیین شاخص‌های کمی کلان از جمله کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پائین جامعه در تهیه و تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه” تأکید ویژه شده است.

نیز مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۱ پنجاه و دو سیاست کلی برنامه چهارم توسعه را بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ و تأکید کردند: “برخی از سیاست‌های کلی مصرح در برنامه سوم از توجه کافی و تقنین و اجرا برخوردار نگشت”؛ و خواهان “برطرف کردن این کمبود به نحو شایسته در تقنین و اجرا برنامه چهارم” شدند. از جمله این سیاست‌های کلی “تلاش در

جهت تحقق عدالت اجتماعی” و “ایجاد فرصت‌های برابر” و “ارتقای سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه” و “مبارزه با فساد و همچنین ایجاد نظام تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی، با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی” و نیز “آمایش سرزمینی مبتنی بر اصولی همچون گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای و رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور”، “تأمین امنیت غذایی”، “مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های کم درآمد و محروم و مستضعف” و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پائین درآمدی جامعه” و “اجرای سیاست‌های مناسب جبرانی و توسعه روستاها از طرق مختلف از جمله ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستائیان و کشاورزان و رفع فقر” می‌باشد. در پایان خواهان ارائه شاخص‌های کمی نحوه انطباق محتوای برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه متناسب با سیاست‌های کلی مذکور” شده‌اند.

براساس ماده ۳ مقررات قیمت‌گذاری بنزین از ابتدای برنامه نفت کوره و نفت گاز بر مبنای قیمت عمده فروشی (فوب) خلیج فارس صورت گیرد.

در مواد ۱۰، ۳۰، ۵۰ و ۵۱ بر پرداخت یارانه سود اعتبارات بانکی در بخش‌های مسکن آموزش عمومی و عالی تصریح شده است. و در ماده ۳۳ بر ساماندهی و هدفمند سازی یارانه‌ها و جوایز صادراتی تأکید شده است.

در ماده ۸۴ برای تحمیل امنیت غذایی (تخصیص منابع اعتباری، تسهیلات بانکی و یارانه‌ای لازم برای تولید، تأمین، توزیع و مصرف مواد غذایی در جهت دستیابی به سبد مطلوب مواد غذایی» مقرر گشته است.

براساس ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه دولت موظف شده است ظرف شش ماه برنامه‌های جامع «فقرزدایی» و «عدالت اجتماعی» را تهیه و به اجرا گذارد. هدف از اجرای این برنامه‌ها استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقر از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی ذکر شده است. در این برنامه‌ها تحقق سیاست‌های زیر سطح قانونگذار است:

- ۱- گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی.
- ۲- اعمال سیاست‌های مالیاتی با هدف باز توزیع عادلانه درآمد.
- ۳- تعیین خط فقر برای خدمات دهی به فقرا و نسبی و مطلق.
- ۴- برنامه‌های ویژه اشتغال برای سه گروه پائین درآمدی.
- ۵- ارتقاء مشارکت NGOها در فقرزدایی.
- ۶- امکان تأمین غذای سالم و کافی، تضمین خدمات بهداشتی، درمانی و توانبخشی رایگان و تأمین مسکن ارزان قیمت، حصول اطمینان از آموزش عمومی رایگان کودکان و نوجوانان در سه دهک پائین درآمدی از طریق جابجایی و تخصیص کارآمد منابع یارانه‌ها.
- ۷- حمایت‌های حقوقی، مشاوره‌های اجتماعی و مددکاری برای فقرا.
- ۸- اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی برای ارائه خدمات اجتماعی.

۹- طراحی روش‌هایی برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستائیان و عشایر بارویکرد و مشارکت و با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان. در ماده ۹۶ دولت مکلف شده است شاخص‌های بیمه‌ای، حمایتی را بهبود و ارتقاء بخشد. ماده ۱۰۳ بند الف ماده ۴۶ برنامه سوم توسعه را تنفیذ کرده است. بر این اساس دولت موظف است حداکثر تا پایان سال دوم برنامه [سوم] یارانه کالاهای اساسی شامل گندم، برنج، روغن نباتی، قند و شکر، پنیر، شیر، دارو، شیر خشک، کود، بذر، سم، حامل‌های انرژی و سایر موارد را هدفمند کند به گونه‌ای که از ابتدای سال سوم اهداف زیر تحقق یابد.

۱- منطقی کردن مصرف و جلوگیری از قاچاق

۲- تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید داخلی کالاهای یارانه‌ای

۳- کاهش سهم طبقات با درآمدهای بالا و افزایش سهم طبقات با درآمد پائین از یارانه‌ها

۴- جایگزین نمودن تدریجی طرح‌های رفاه اجتماعی به جای پرداخت یارانه

۵- تأمین منابع برای سرمایه‌گذاری زیر بنایی و محدودیت‌زدایی کشور

۶- توسعه اشتغال مولد با اعطاء وام از محل درآمدهای حاصل (به صورت وجوه اداره شده)

و بالاخره ماده ۱۰۴ تغییر نظام پرداخت یارانه از تولید به سمت مصرف محصولات فرهنگی

را مقرر داشته است.

در ماده ۱۳۵ نقش و وظایف دولت را به چهار محور اصلی تفکیک ساخته است :

۱- امور حاکمیتی؛ یازده امر از جمله "برقراری عدالت و تأمین اجتماعی و بازتوزیع درآمد" و

نیز "زمینه‌سازی رشد و توسعه و رفع فقر و بیکاری".

۲- امور تصدیهای اجتماعی، فرهنگی و خدماتی.

۳- امور زیربنایی.

۴- امور تصدیهای اقتصادی.

از نظر کمی مقرر شده است در افق برنامه (۱۳۸۸) نسبت به هزینه ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین خانوارها از ۱۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به ۱۴ کاهش یابد. نیز نسبت فوق برای ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین از ۱۰ در سال ۸۰ به ۵/۵ کاهش یابد. ضریب جینی از ۰/۴۳ در سال ۸۰ به ۰/۳۸ کاهش یافته و درصد جمعیت زیر خط فقر نسبی (۵۰٪ میانه درآمدی) از ۱۵٪ در سال ۸۰ به ۷٪ کاهش یابد. شاخص رفاه اجتماعی^۱ از ۴۲۳ به ۸۰۰ و شاخص توسعه انسانی از ۰/۷۱۹ به ۰/۸۲۰ ارتقاء یابد. (جدول شماره ۳)

نکته مهم آن است که جداول کمی برنامه برغم تغییرات معتابه احکام برنامه طی چهار مرحله، هیچگونه تغییری نیافته است. به عبارت دیگر برغم تأکید رهبری شاخص‌های کلان کمی سازگاری لازم با اهداف کیفی برنامه را دارا نیست.

جدول شماره ۳: بخشی از شاخص‌های اجتماعی برنامه چهارم توسعه

۱۳۸۸	۱۳۸۰	۱۳۷۰	شاخص
۱۴	۱۹/۴	۳۳/۴	نسبت هزینه ۱۰٪ ثروتمندترین به ۱۰٪ فقیرترین خانوارها
۵/۵	۱۰	۱۴/۲	نسبت هزینه ۲۰٪ بالا به ۲۰٪ پائین خانوارها
۰/۳۸	۰/۴۳	۰/۴۹	ضریب جینی
۸۰۰	۴۲۳	۲۵۱	شاخص رفاه اجتماعی
/۸۲۰	۰/۷۱۹	۰/۷۳۶	شاخص توسعه انسانی
۷	۱۵	—	درصد جمعیت زیر خط فقر نسبی (۵۰ درصد میانه درآمدی)

مأخذ: قانون برنامه چهارم توسعه

۱ - آمار تأمین شاخص رفاه اجتماعی (W) را به صورت $W = \mu (1-G)$ تعریف می‌کند. G ضریب جینی و μ درآمد سرانه است.

ارزیابی و نقد:

قانون برنامه چهارم توسعه در هفت بخش از جمله بخش (سوم) «توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی» و پانزده فصل از جمله فصول «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی» و «ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی» در قالب ۱۶۱ ماده پس از چالش‌هایی به تصویب مجلس هفتم شورای اسلامی رسید.

این قانون اولین برنامه پنج ساله توسعه به عنوان یکی از چهار برنامه تضمین‌کننده نیل به چشم‌انداز بیست ساله کشور می‌باشد. در مقدمه لایحه تقدیمی مأموریت‌های نظام برنامه‌ریزی کشور بدین نحو تفصیل یافته است:

برنامه پنج ساله چهارم: رشد پایدار اقتصادی دانایی محور

برنامه پنج ساله پنجم: تثبیت مبانی رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی

برنامه پنج ساله ششم و هفتم: توسعه مستمر پایدار و دانش بنیان کشور و تأمین عدالت

اجتماعی

صرفنظر از ایرادات شکلی و ناسازگاری درونی در نرخ رشد و سطح متغیرهای کلان از جمله میزان تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی، بهره‌وری عوامل تولید و شاخص‌های توزیع درآمد و رفاه اجتماعی با توجه به نرخ رشد منهای ۱٪ عوامل تولید در طول سالهای ۸۱-۱۳۷۶ و عدم تحقق ۲۵ درصدی درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۲ و نرخ رشد نقدینگی ۲۷ درصدی دوره ۸۰-۱۳۷۰ و پیش‌بینی ۲۰ درصدی برای طول برنامه که نرخ تورم ۱۸ درصدی را نوید می‌دهد (ابوالحسنی، ۱۳۸۳) و تعارض ماده ۳ قانون مبنی بر «آزادسازی قیمت بنزین و

مصرف منابع حاصله در امور خاص^۱ با ماده ۱۰۳ و ... آنچه در این مقاله مطمع نظر است وجود نوعی بحران در تعریف اهداف و میانی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در نظام اجرایی موجود کشور و میزان تعهد به اجرا است.

اختلاف در تعاریف توسعه و عدالت محوری ترین بحران معنا شناختی است. بحران دیگر ترتب این دواست. به همین جهت سه برنامه پیشین به رغم شعار عدالت اجتماعی هیچ یک عملاً موفق به کاهش نابرابری‌های اجتماعی نشده و بعضاً وضع بدتر نیز شده است. بحران سوم بحران روش شناختی است به عبارت دیگر آیا نسخه بانک جهانی تعدیل ساختاری قادر به اصلاح توزیع درآمد است یا نیازمند الگوی بومی هستیم. در اینجا لازم است مبنای تئوریک این بحرانها را در خور وسع و مجال این مقال ارائه نمائیم.

دو مسئله عمده نگاه متفاوت به انسان در مکتب اسلام و نظام سرمایه‌داری و نیز نقش دولت در این دو وجود دارد.

اقتصاد اثباتی^۱ سرمایه‌داری انسان را یک انسان خردگرای ابزار^۲ که به دنبال به دست آوردن حداکثر منفعت^۳ می‌باشد، می‌داند و خود همزمان به قضاوت ارزشی می‌پردازد. اما انسان از منظر مکتب اسلام یک انسان فطری است که غایت‌گرا و هدفمند است و فعل او در جهان مادی مستلزم ثواب و عقاب اخروی است.

1- Positivist.
2- Rationalist.
3- Utilitarianist.

اما نقش متفاوت دولت در نظام جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری مسئله مهم دیگر است. نظام اجرایی در جمهوری اسلامی علاوه بر نقش‌های متعارف‌تصنین، تثبیت و تخصیص، نقش عدالت‌خواهانه و هدایت‌گرانه دارد اقتصاددانان غربی اکنون با الحان مختلف حداقل بر یک نکته متفقند که "نظام بازار قادر نیست حداقل‌ها در عدالت توزیعی فراهم سازد و به اقدام باز توزیعی دولت نیازمندیم". (توکلی، ۱۳۸۰)

در نقطه بهینه رفاه اجتماعی یعنی کارایی^۱ کامل یا بهینه پارتو می‌توان شاهد نابرابری شدید و توزیع منابع بین تولیدکنندگان و کالاها بین مصرف‌کنندگان باشیم (فارغ از سکوت در مقابل پیامدهای خارجی^۲، صیانت از منابع، حفظ محیط زیست، کالاهای عمومی، کاستیهای بازار^۳، چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها^۴ و ...)

البته برابری^۵ خود با عدالت^۶ متمایز است لذا به ناچار باید با قضاوت ارزشی به تعریف عدالت و تدوین شاخص‌های لازم بپردازیم. دولت متکفل برقراری عدالت اجتماعی است عدالت اجتماعی خود شامل تکافل عمومی و توازن اجتماعی است تکافل عمومی هم وظیفه آحاد ملت است که از طریق مواخات و مواسات تحصیل می‌گردد و هم وظیفه دولت اسلامی باشد. توازن اجتماعی همچنین مستلزم تعادل در درآمدها و تعادل در سطح زندگی افراد است. (مشرف جوادی، ۱۳۶۹)

-
- 1- Efficiency.
 - 2- Externalities.
 - 3- Market Imperfections.
 - 4- Price and Wage Rigidities.
 - 5- Equality.
 - 6- Equity.

نیل همزمان به کارایی و عدالت مبتنی بر قرارداد اجتماعی ریشه‌دار در شریعت اسلامی می‌باشد. در این شریعت عدالت یعنی این که مردم در عرصه مالکیت عمومی حق برخورداری برابر دارند. و در عرصه مالکیت خصوصی شایستگی افراد مبتنی بر ارزش افزوده حقیقی آنها ضامن تأمین عدالت می‌باشد. البته در عرضه مالکیت دولتی (انفاق) و در خصوص خود اموال کارایی غنی (معادل عدم اسراف) با استفاده از قوانین اقتصاد متعارف می‌تواند به تخصیص بهینه منابع بیانجامد. در صورت حصول چهار مؤلفه فوق معیار کارایی تخصیص (معادل احسان به معنی عام) می‌تواند ضامن رشد با ثبات اقتصادی به همراه حفظ حقوق آحاد مردم باشد. لذا عدل سه معیار «حق برخورداری برابر»، «شایستگی» و «توازن» (نه برابری) را همزمان در بر دارد (عیوضلو، ۱۳۸۳). قانون اساسی کشور صراحتاً در اصول ۳، ۲۹، ۴۳ و ۴۸ از نقش عدالت گسترده دولت یاد کرده است. در اقتصاد سرمایه‌داری معیارهایی برای عدالت از جمله معیار «حداقل زندگی، معیار برابری، معیار نابرابری منصفانه و غیره ارائه کرده‌اند.

جان رالز (۱۹۷۲) معیار حداکثر حداقل ارائه کرده می‌گوید «ارائه کرده و می‌گوید تنها آن دسته از نابرابری و آن هم تا حدی پذیرفته می‌شود که نتایج آن دسته کم وضع پائین‌ترین گروه اجتماعی را حتماً بهبود بخشد.

مشکل عمده این نظریه فقدان قابلیت اجرای آن است. زیرا از قبل دقیقاً معلوم نیست چه حدی از نابرابری و چه شکلی از سایت‌ها با حفظ رشد مطلوب ضرورتاً وضع فقیرترین‌ها را بهبود می‌بخشد. نیز مسئله زمان و تأثیر یکطرفه نسل جاری بر نسل بعدی نیز مسئله را پیچیده‌تر می‌سازد. (ماسگریو، ماسگریو ۱۹۸۹).

پس از دقت جدی در تفاوت عمده دو رویکرد ملاحظه می‌شود نقش سرمایه انسانی در طی سه برنامه گذشته عملاً تنزل یافته و حجم دولت تدریجاً افزون گشته است. به گونه‌ای که اکنون برغم برنامه مبتنی بر آزادسازی اقتصاد دو سوم بودجه کشور از آن شرکت‌های دولتی است. نیز نرخ تورم در دوره ۸۰-۱۳۷۰ به طور میانگین ۲۳٪ بوده است که این به معنی فشار مضاعف بر حقوق بگیران و سایر اقشار آسیب‌پذیر جامعه و در نتیجه افزایش ناامنی اقتصادی و اجتماعی ایشان است. روستائیان (که به طور میانگین ۶۰٪ شهر نشین‌ها درآمد دارند) به عنوان تولیدکنندگان عمده محصولات کشاورزی شاهد رشد ۳/۱ درصدی این بخش در مقابل ۵/۷ درصدی بخش صنعت و معدن و ۵/۳ درصدی بخش خدمات دو دوره مذکور بوده‌اند در برنامه چهارم این نرخ‌ها به ترتیب ۶/۵، ۱۱/۲، ۹ درصد پیش‌بینی شده است. نرخ مهاجرت و رشد شهرنشینی نیز مبین روند مصرف‌گرایی، حاشیه‌نشینی، بیکاری، کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌باشد.

در عرصه اجرا التزام و تعهد به مصوبات قانونی در دولت به چشم نمی‌خورد. در طول سال‌های ۷۸-۱۳۷۴ هزینه دولت از محل بودجه عمومی بین ۴۸٪ تا ۷۴/۳٪ نسبت به برنامه تخطی داشته است. (بید آباد، ۱۳۸۳)

نظام جامع اطلاع‌رسانی و تأمین اجتماعی مطرح در برنامه‌های اول و دوم تدوین و اجرا نشد. بند الف ماده ۴۶ برنامه سوم توسعه مبنی بر تخصیص هدفمند یارانه‌ها عیناً در برنامه چهارم تنفیذ شده است که سال اجرای آن مشخص نیست. اکنون پس از اجرای سه برنامه توسعه امیدی به اجرای احکام قانونی برنامه چهارم توسعه نیست.

ملاحظات سیاسی و اجتماعی متعدد "شکاف اعتماد"^۱ را افزایش داده و "معمای زندانی"^۲ یا به زبان کینزینیهای جدید "شکست در هماهنگی"^۳ را تداعی می‌سازد. اغلب "مصلحت اندیشی"^۴ اندیشی"^۴ بر التزام به "قواعد"^۵ مرجح بوده است.

به نظر می‌رسد آن چه به عنوان شواهد مثال آورده شد ناشی از رویکرد برونگرای سه برنامه قبلی و تداوم آن در برنامه چهارم رشد پایدار اقتصاد دانایی محور و انتظار حصول رفاه اجتماعی در برنامه پنجم و عدالت اجتماعی در برنامه‌های شش و هفتم می‌باشد.

نتیجه و چند پیشنهاد

آنچه در سه برنامه گذشته و تدوین برنامه چهارم گذشت حاکی از فقدان باور به الگوی توسعه درونزا با توجه به اصول ثابت نظام جمهوری اسلامی (اسلام، انقلاب، ولایت فقیه و قانون اساسی) و ویژگیهای منحصر به فرد تمدن اسلامی - ایرانی بوده است. بر این مبنا مسئله تأمین، تکافل و توازن اجتماعی به عنوان زیربنای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در چهار برنامه گذشته حداقل در فرآیند اجرا مورد قبول نبوده است.

پیشنهاد می‌گردد اکنون که سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توسعه جمهوری اسلامی تدوین شده است مبنای فکری و ارزشی تحقق چشم‌انداز بازنگری و بر این مبنا الگوی توسعه جدیدی تدوین

- 1- Confidence Gap.
- 2- Prisoner's Dilemma.
- 3- Coordination Failure.
- 4- Discretion.
- 5- Rules.

و مورد وفاق نخبگان علمی و سیاسی قرار گیرد تا بتوان در این چهارچوب برنامه‌های میان مدت توسعه را به صورت یک مجموعه سازگار، منسجم و هدفمند تدوین کرد. در غیر اینصورت بحران‌های مذکور می‌تواند چالش‌های مهمی را در عرصه سیاسی و فکری برانگیزد که برآیند آن عقب‌ماندن از قافله توسعه بشری است.

بر این اساس قبل از هرگونه اقدام در خصوص نیل به وضع مطلوب در مقوله عدالت اجتماعی و پرداخت یارانه‌ها ابتدا باید محاسبات دقیق علمی آثار اجتماعی و رفاهی آن بر اقشار آسیب‌پذیر بررسی و ساز و کارهای حمایتی لازم تدوین و به صورت مرحله‌ای نسبت به اصلاح وضع موجود اقدام نمود.

در مرحله بعدی مسئله نظارت بر پایبندی مدیران اجرایی به تعهدات قانونی و اخلاقی خود برای التزام به اجرای قوانین مصوب کشور به طور جدی در دستور کار قانونگذاران قرار گرفته و از هرگونه انحراف از برنامه به طور جدی جلوگیری گردد.

به امید روزی که در عمل معتقد به نجات‌بخشی آئین اسلام و تأمین سعادت دنیوی و اخروی

باشیم.

منابع:

الف) فارسی

- ۱- آلدومن، هارولد. ترجمه فریده سرحدی و دیگران، (۱۳۶۵). تأثیر نظام سهمیه‌بندی وسوبسید مواد غذایی بر توزیع درآمد و مصرف در مصر، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- ۲- ابوالحسنی هستیانی، اصغر. (۱۳۸۳). بررسی لایحه برنامه چهارم توسعه از دیدگاه نظام برنامه‌ریزی و چگونگی انطباق با سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه، مجموعه مقالات همایش بررسی لایحه برنامه چهارم توسعه، تهران.
- ۳- اسلامی، سیفا... (۱۳۸۲). چگونگی بهبود و توزیع یارانه‌های پرداختی کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، انتشارات معاونت امور اقتصادی وزارت اقتصادی و دارایی، چاپ اول.
- ۴- بخشوده، محمد. (۱۳۸۰). پیش‌بینی تأثیرات حذف دخالت دولت از بازار گندم، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۵، تهران.
- ۵- بیدآباد، بیژن. (۱۳۸۳). بازبینی برنامه‌های پیشین و نگاهی به برنامه چهارم، مجموعه مقالات همایش بررسی لایحه برنامه چهارم توسعه، تهران.
- ۶- پژویان، جمشید. (۱۳۷۴). شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، انتشارات معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

- ۷- پهلوانی، مصیب. (۱۳۷۴) بررسی سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی در اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۸- توکلی، احمد. (۱۳۸۰). بازار - دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران.
- ۹- حیدری، محمدرضا. (۱۳۷۵). بررسی سیاست سوبسید گندم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۰- دینی ترکمانی، علی. (۱۳۷۲). تأثیر حذف سوبسید نان بر فقر مطبق، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، بهمن و اسفند صفحه ۸۹-۹۰.
- ۱۱- ذوالنور سید حسین. (۱۳۸۲). الگوی تعادل عمومی کاربردی بررسی تحلیل اثر وضع مالیات در ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۱۲- رحیمی، عباس. (۱۳۷۵). بررسی اقتصادی یارانه، انتشارات مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۱۳- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۰). نظام هدفمند یارانه‌ها، تهران.
- ۱۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۸۳). مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، تهران.
- ۱۵- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۸) پیوست شماره ۲ لایحه برنامه سوم توسعه، جلد اول، تهران.
- ۱۶- سبحی، یدالله. (۱۳۷۸). تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی، فصل‌نامه برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، تهران.
- ۱۷- طیبیان و دیگران. (۱۳۷۹). فقر و توزیع درآمد در ایران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران.

- ۱۸- عیوضلو، حسین. (۱۳۸۳). معیارهای اقتصاد اسلامی و طرح یارانه نقدی در ایران، نامه یارانه (خلاصه سخنرانی‌های ارائه شده در همایش نقدی کردن یارانه‌ها)، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- ۱۹- فرج‌زاده، زکریا. (۱۳۸۲) هدفمند کردن یارانه‌ها و کاهش فقر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- ۲۰- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳.
- ۲۱- مجتهد، احمد. (۱۳۷۸). بررسی اثرات پرداخت یارانه نان در ایران و کاهش آن در اقتصاد، اقتصاد گندم از تولید تا مصرف، مجموعه مقالات پژوهشی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران، ص ۳۶۷-۳۳۷.
- ۲۲- محمودی، مصطفی. (۱۳۸۱). بررسی چالش‌های بازار گندم، آرد و نان، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۷، تهران.
- ۲۳- مشرف‌جوادی، محمدحسن. (۱۳۶۹). عدالت اجتماعی از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات اولین مجمع بررسی‌های اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۴- منجذب، محمدرضا. (۱۳۶۸). بررسی تأثیر سوبسید بر توزیع درآمد و تبعات حذف آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۲۵- نجفی، فرج‌زاده. (۱۳۸۳). پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، صفحه ۱۳۵.
- ۲۶- نجفی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۳). راه‌های اصلاح نظام کنونی یارانه نان، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم شماره ۸.

(ب) انگلیسی

27- Harberger, Arnold. C (1974). Taxation, Resource Allocation and welfare, Little Brown.

جدول ضمیمه: شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد طی دوره (۸۰-۱۳۶۳)

سال	ضریب جینی			نسبت دهک بالا به دهک پایین			نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۳)	۰/۴۴۶	۰/۴۲۶	۰/۴۲۶	۲۳/۷۴	۱۹/۴۰	۲۱/۲۳	۱۱/۵۱	۱۰/۰۰	۱۰/۳۵
۱۳۶۸	۰/۴۴۴	۰/۴۴۲	۰/۴۴۲	۲۳/۱	۱۹/۱	۲۳/۱	۱۱/۱	۹/۷	۱۰/۲
۱۳۶۹	۰/۴۴۳	۰/۴۴	۰/۴۴۵	۲۳/۶	۱۶/۹	۲۸/۵	۱۱/۰	۸/۵	۱۲/۶
۱۳۷۰	۰/۴۸۶	۰/۴۷۷	۰/۴۵۲	۳۳/۴	۲۶/۳	۲۹/۰	۱۴/۲	۱۱/۹	۱۲/۸
۱۳۷۱	۰/۴۳۵	۰/۴۴۱	۰/۴۳۴	۲۳/۲	۱۶/۵	۲۴/۸	۱۱/۱	۸/۷	۱۱/۶
۱۳۷۲	۰/۴۲۵	۰/۳۹۳	۰/۴۳۱	۲۲/۱	۱۴/۹	۲۵/۹	۱۰/۵	۸/۰	۱۱/۵
میانگین برنامه اول توسعه	۰/۴۴۳	۰/۴۲۰	۰/۴۳۷	۲۵/۰۹	۱۸/۷۶	۲۶/۰۴	۱۱/۵۶	۹/۳۹	۱۱/۷۳
۱۳۷۳	۰/۴۲۴	۰/۳۹۵	۰/۴۳۱	۲۰/۰	۱۴/۵	۲۲/۸	۹/۹	۷/۹	۱۰/۶
۱۳۷۴	۰/۴۲۷	۰/۴۰۲	۰/۴۳۷	۲۰/۵	۱۵/۰	۲۳/۵	۱۰/۲	۸/۲	۱۱/۳
۱۳۷۵	۰/۴۴۳	۰/۴۰۴	۰/۴۴۲	۲۰/۲	۱۵/۰	۱۹/۹	۱۰/۲	۸/۳	۱۰/۰
۱۳۷۶	۰/۴۲۲	۰/۳۹	۰/۴۴۲	۱۸/۹	۱۳/۹	۱۹/۲	۶/۷	۷/۸	۹/۷
۱۳۷۷	۰/۴۴۳	۰/۳۹	۰/۴۴۴	۲۱/۲	۱۴/۲	۲۳/۰	۱۰/۵	۷/۹	۱۱/۱
۱۳۷۸	۰/۴۴۲	۰/۴	۰/۴۴۳	۱۹/۴	۱۴/۳	۲۰/۳	۹/۹	۷/۹	۱۰/۲
میانگین برنامه دوم توسعه	۰/۴۲۶	۰/۳۹۷	۰/۴۲۹	۲۰/۰۵	۱۴/۴۹	۲۱/۲۱	۱۰/۱۱	۸/۰۲	۱۰/۴۷
۱۳۷۹	۰/۴۳۰	۰/۴۰۶	۰/۴۲۹	۲۰/۰۷	۱۵/۰۹	۲۰/۶۴	۱۰/۱۳	۸/۲۰	۱۰/۳۱
۱۳۸۰	۰/۴	۰/۴۱۱	۰/۴۱۵	۱۹/۴۰	۱۵/۴۴	۱۸/۲۲	۹/۹۶	۸/۳۶	۹/۵۰

مأخذ: آمار درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران